

زبان بلوچی و ویژه گیهای دستوری آن



۱۳۹۸ هـ. ش

سر محقق غلام فاروق مهرزاد

زبان بلوچی و ویژه گیهای دستوری آن

سر محقق غلام فاروق مهرزاد

۱۳۹۸ هـ. ش

Balochi language and its grammatical features



Author: Senior Research Fellow Ghulam Farooq Meherzad

2019

ISBN 978-9936-645-57-8



9 789936 645578





جمهوری اسلامی افغانستان
اکادمی علوم
معاونیت بخش علوم بشری
مرکز زبانها و ادبیات
انستیتوت زبان ها و ادبیات اقوام برادر

زبان بلوچی و ویژه گیهای دستوری آن

نویسنده: سرمحقق غلام فاروق مهرزاد

استاد رهنما: سرمحقق دکتور خلیل الله اورمې

۱۳۹۸ هـ. ش

مشخصات کتاب

- نام کتاب: زبان بلوچی و ویژه گیهای دستوری آن
نویسنده: سرمحقق غلام فاروق مهرزاد
استاد رهنما: سرمحقق دکتور خلیل الله اورمر
ایدیتور: سرمحقق دوکتور سید محی الدین هاشمی
مهتمم: معاون محقق شریف الله سانبن
ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم
تعداد: ۵۰۰ جلد
چاپخانه: مطبعه صنعتی چهاردهی
سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش

ISBN: 978-9936-645-57-8

حق چاپ در اکادمی علوم افغانستان محفوظ است



فهرست موضوعات

صفحه	عنوان
أ.....	نظر استاد رهنما.....
ج.....	تقریظ.....
ه.....	تقریظ.....
ط.....	تقریظ.....
س.....	تقریظ.....
۱.....	مقدمه.....

فصل اول

مروری به گذشته موضوع

فصل دوم

نظری بر پیشینه تاریخی بلوچها

- ۱- خاستگاه قومی بلوچ: ۱۶
- ۲- جغرافیایی تاریخی بلوچها: ۱۷
- ۳- کلمه بلوچ ۳۳
- ۴- نام بلوچ ۳۴
- ۵- نژاد بلوچ ۳۷
- ۶- آزاد منشی بلوچ ۴۱
- ۷- ویژه گیهای قومی بلوچ ۴۲
- ۸- مهاجرت بلوچها ۴۳
- ۹- حوزه های بلوچ نشین در افغانستان و بیرون از آن ۴۶

فصل سوم

نگاهی به زبان بلوچی

- ۱- ساختار آوایی زبان بلوچی (فونیتیک) ۶۱
- ۱- خط فونیتیک ۶۴
- ۲- تلفظ ۶۵
- ۳- واوهای غنه یی ۷۵
- ۴- ترکیب های واوولی ۷۵

- ۵- آواز های بیصدا و بندشی ۷۵
- ۶- آواز های بندشی و دندانی ۷۶
- الفبای پذیرفته شده زبان بلوچی در افغانستان ۷۶

فصل چهارم

لهجه های زبان بلوچی و تفاوت آن

- ۱- لهجه شناسی چیست؟ ۸۵
- ۲- لهجه شرقی و غربی زبان بلوچی ۸۶
- ۳- ادبیات بلوچی ۹۲
- الف) ترانه های حماسی و پهلوانی کهن ۹۴
- ب) ترانه های قبیله یی جدید ۹۴
- ج) ترانه های رماتیک ۹۵
- د) تصنیفهای عاشقانه و غنایی ۹۶
- ه) شعر های دینی و آموزشی ۹۷
- و) شعر های کوتاه ۹۸

فصل پنجم

تاثیر زبانهای آریانی و غیر آریانی بر زبان بلوچی

- ۱- آریانی ۱۰۱
- ۲- آریانی غربی ۱۰۸
- الف) - پارسی باستان ۱۰۸
- ب) پارسی باستان و بلوچی ۱۰۹
- تأثیر زبان دری بر زبان بلوچی ۱۱۶
- ۱- همگونی های زبان دری و زبان بلوچی ۱۱۹
- الف) حالات اسم ۱۲۱
- ب- حالت فاعلی و مفعولی ۱۲۴
- ج- حالت ندا ۱۲۴
- د- قید ۱۲۹
- ه - یک رنگیهای قید دری و بلوچی ۱۲۹
- و - مبهمات در دری و بلوچی ۱۳۲
- ز- ضمائر متصل فعلی ۱۳۵

۱۳۶	ح) ضمائر منفصل مشترک
۱۳۷	ی) ابدال در بلوچی
۱۳۸	ک) چگونگی جمله بندی در زبانهای دری و بلوچی
۱۴۰	ل) نتیجه این بخش
۱۴۲	تأثیر زبان پشتو بر زبان بلوچی و شباهت های گرامری این دو زبان
۱۴۳	الف- اسم (Noun)
۱۴۴	ب- جنس
۱۴۴	ج- مفرد و جمع
۱۵۱	د) ماضی مطلق
۱۵۲	ه) ماضی قریب
۱۵۲	و) ماضی بعید
۱۵۳	ز) ماضی احتمالی
۱۵۳	ح) ماضی استمراری
۱۵۴	ط) فعل معلوم (Active verb)
۱۵۴	ی) قیود (ADVERB)
۱۵۵	ک) مضاف و مضاف الیه
۱۵۶	ل) مصدر
۱۵۷	م) ضمائر
۱۵۸	تأثیر زبان و ادب عربی بر زبان بلوچی
۱۶۳	زبانهای اندو اروپایی
۱۶۴	۱- سیر تاریخی زبانهای اندو اروپایی و موقعیت آنها
۱۶۸	۲- زبان آریک ۲۵۰۰ ق.م.
۱۷۰	۳- گروه زبان های اندو آریانی
۱۷۱	۴- زبان های آریانی
۱۷۵	الف) آریانی شرقی (زبان اوستایی)
۱۷۷	ب) زبانهای هندی
۱۷۸	ج) زبان سندی
۱۷۹	د) زبان داردیک
۱۸۰	ه) زبان کشمیری

۱۸۰	براهویی (Brahui)
۱۸۲	۱- پیشینه تاریخی
۱۸۳	۲- تشکیلات سیاسی و تقسیمات اجتماعی براهویان
۱۸۴	۳- تیره های مهم براهویی
۱۸۶	۴- جدول عشایر مهم براهویی
۱۸۷	۵- زبان براهویی
۱۸۹	۶- اخلاق و عادات

فصل ششم

نمابه های صرفی و نحوی زبان بلوچی

۱۹۳	۱- تحلیل و ترجمه
۱۹۶	۲- پروسه تاریخی و اولهای زبانهای بلوچی دری، آریانی و اوستا
۱۹۹	نتیجه
۲۰۳	پیشنهادها
۲۰۵	ضمایم
۲۰۵	الف- لهجه شرقی (مکرانی) به الفبای فارسی - عربی
۲۰۶	ب- ترجمه به دری
۲۰۷	ج- متن لهجه گروه شرقی دیری غازیخان به الفبای فونیمیکی
۲۰۹	د- متن لهجه غربی «مکرانی» به الفبای فونیمیکی
۲۱۰	ه- متن بلوچی از لهجه شرقی
۲۱۳	مآخذ

نظر استاد رهنما

کشور عزیز ما افغانستان اگر از یکطرف مهد پرورش تمدنهای گوناگون در طول تاریخ گذشته بوده از سوی دیگر محل بودوباش اقوام و ملیت های مختلف که هر یک از خود زبان جداگانه دارد، نیز میباشد. مردم این سرزمین با وجود اختلاف مذهب، زبان، رسم و عنعنات در طول تاریخ پر افتخار شان داخل مرز سیاسی این سرزمین باستانی زنده گی برادری داشته و بدون برتری، نژادی، لسانی، مذهبی و غیره با پیروی از اساسات پاک دین مبین اسلام تساوی حقوق را در نظر داشته و به منظور مشکلات در پیشبرد مسایل زنده گی با اتحاد و اتفاق برادری تشریک مساعی نموده اند.

در سالهای اخیر کار در مسایل فرهنگ و شگوفان ساختن فرهنگ تمام ملیت های ساکن در وطن از طرف رهبری اکادمی علوم تأکید بعمل آمده و تا جائیکه ازین امر در مشی اساسی آنها نیز یاد آوری شده انکشاف فرهنگ تمام ملیت ها را از وظایف عمده اکادمی علوم اعلام داشتند. روی همین اصل در سال اخیر کار های عمده فرهنگی آغاز گردیده که میتوانیم از تثبیت الفبا ها برای بعضی زبانها و جمع آوری مواد مربوط به فرهنگ ملیت ها و نشر آثار به زبانهای ملیت ها یاد آور شویم. این کار ها را باید آغاز گام برای رسیدن به یک هدف عالی و انسانی پنداشت.

زبان بلوچی و ویژه گی های دستوری آن، اثریست از معاون سرمحقق غلام فاروق مهرزاد که در (۱۹۲) صفحه کاغذ A4 در پنج فصل طور خلاصه به معرفی می گیریم.

۱. نویسنده محترم در فصل اول مروری به گذشته موضوع. در فصل دوم معرفی بلوچها (پیشینه تاریخی، خاستگاه قومیت، نام و نژاد بلوچها، مهاجرت و حوزه های بلوچ نشین) سخن رفته است. در فصل سوم راجع به زبان بلوچی، سیستم آوایی زبان بلوچی، و موقف آن در زبان های آریانی آریک و اندو اروپایی مشخص گردیده و متعاقباً به معرفی زبان های اندواروپایی (اندوآریایی و آریانی)، معرفی لهجه های بلوچی، تأثیر زبان دری، پشتو، براهویی و عربی و شباهت های دستوری آنها سخن رفته است.

در فصل چهارم لهجه ها و ادبیات بلوچی، ترانه های حماسی و رماتیک، شعرهای دینی و آموزشی آمده است.

- فصل پنجم با متون، ترجمه و تحلیل نمایه های آن که در ضمایم آورده شده است و با نتیجه، پیشنهادات، ضمایم شرح و مآخذ معتبر این اثر به پایان میرسد.
۲. پروژه تصویب شده انستیتوت ملیت های با هم برادر از لحاظ کیفیت و کمیت تکمیل گردیده است.
۳. این اثر به زبان عام فهم نوشته شده و تمام اصول و ضوابط نویسنده گی در آن مراعات گردیده است.
۴. این اثر بر مبنای میتود تشریحی و مقایسی استوار است.
۵. اثر محترم معاون سرمحقق غلام فاروق مهرزاد که متحمل زحمات بسیار در جهت تحریر و نگارش آن با وصف دشواریهای عینی زنده گی اجتماعی گردیده است، مآخذ اساسی و معتبر برای سایر محققین این عرصه می باشد.
۶. من این اثر را برای ترفیع از رتبه علمی معاون سرمحقق به رتبه علمی سرمحقق کافی دانسته از مقامات ذیصلاح خواهشمندم تا چاپ را برای استفاده عامه در نظر داشته باشد. از خداوند متعال برای مؤلف آن صحتمندی آروزمندم.

با احترام

سرمحقق دکتور خلیل الله اورمر
آمر دیپارتمنت زبان های باستانی

تقریظ

((زبان بلوچی و ویژه گی های دستوری آن)) اثر مې تر پایه وکوت.

بناغلي مهرزاد دغه اثر په پنځو څپرکو کې لیکلی دی.

په لومړي او دویم څپرکي کې د بلوڅ د مېرني قوم په ملي هویت، استوګنځایونو او جغرافیایي موقعیت باندې کافي او بشپړه څېړنه تر سره شوې ده. خو کوم شی چې په دې اثر کې زما د پاملرنې وړ وگرځېد د ژبپوهنې او ژبني مطالعاتو په اړه د مهرزاد ژبپوهنیزه لیکنه ده چې د بلوچي ژبې په اړه یې تر سره کړې ده چې عمده برخې یې په لاندې ټوکه د یادونې وړ دي:

په دغه اثر کې د بلوچي ژبې په فونولوژیکي جوړښت د ژبپوهنیزو معیارونو په نظر کې نیولو سره په هر اړخیزه توګه څېړنه تر سره شوې ده.

همدارنګه د بلوچي ژبې په مورفولوژي هم څېړنه تر سره شوې ده چې په پرتلیزه توګه له پښتو او دري سره او د دري او پښتو ژبې اغېزې هم څېړل شوې دي چې دغه کار د مقایسوي ژبپوهنې له نظره د اهمیت او ستاینې وړ دی.

بناغلي مهرزاد د (۵۴) بېلابېلو کورنیو او بهرنیو معتبرو مأخذونو څخه په استفادې سره خپل اثر ته د پای ټکی ږدي.

زه د بناغلي مهرزاد دغه لیکنه مثبت ارزوم، د افغانستان د علومو اکاډمۍ د قانون مطابق یی که نور اړوند شرطونه بشپړ کړي وي، نو د څېړنوال له علمی رتبې څخه یې د څېړنپوه علمی رتبې ته بشپړه او کافي ګټم او له اړوندې څانګې څخه هیله کوم چې دغه اثر د لازياتې ګټې اخستینې په خاطر چاپ کړي. د بلوڅ د مېرني قوم د زیاتو بریاوو په هیله.

پوهاند محمد صابر خویشکی

تقریظ

به ریاست محترم مرکز زبانها و ادبیات!

اثر علمی- تحقیقی دانشمند محترم معاون سرمحقق غلام فاروق «مهرزاد» تحت عنوان «زبان بلوچی و ویژه گیهای دستوری آن» بلاثر مکتوب نمبر ۶۴۹ / ۷۰۲ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۶ خورشیدی ریاست محترم مرکز زبانها و ادبیات غرض نوشتن تقریظ و ارایه نظر بر آن برایم تسلیم داده شد، که به جواب آن نگاشته می شود:

در دنیای امروز سه الی پنج هزار زبان مستقل وجود دارد و تعدادی از زبانشناسان شمار زبانها را شش هزار می گویند. تعدادی از این زبانها از بین رفته و تعداد زیاد دیگر آن ها گوینده گان خود را دارند. این رقم که برای غیر زبانشناسان حیرت انگیز می نماید، کمتر از شمار زبانهایی است، که قبل از طوفان و موج همه گیر سازی زبانهای بزرگ دنیای معاصر رایج بوده اند. اکنون از میان آن تعداد از زبانهایی که از لحاظ گوینده گان و گستره یی که در آن بسر می برند و در ردهٔ زبانهای با اهمیت جهان قرار دارند، بیش از دو صد زبان نیست.

باید گفت، همانطوریکه تعداد اندکی از زبانهای فوق الذکر در دنیا حد اکثر صد (۱۰۰) زبان نوشتاری اند و تعداد زیاد دیگر گفتاری میباشند، همین طور در کشور ما هم اقوام مختلف زنده گی بسر می برند، به بیشتر از (۳۰) زبان تکلم می نمایند، که یکی هم از این زبانها، زبان قوم شرافتمند، آزادمنش و سرافراز بلوچ است. تاجاییکه من معلومات دارم، در زمینه زبان بلوچی به خصوص بخش ویژه گیهای دستوری آن تحقیق کمتر صورت گرفته است. دانشمند گرانقدر «مهرزاد» موضوع فوق را با نظر داشت پلان استراتژی دیپارتمنت بلوچی جهت ترفیع به رتبهٔ سرمحقق تحت تحقیق و پژوهش داشت، که خوشبختانه کار تحقیق خویش را به منصبهٔ اجراء در آورده و یک اثر علمی مغتتم و مفیدی را آماده ساخته است.

و حال در مورد این رساله:

اثر پژوهشگر گرانقدر «مهرزاد» که تحت عنوان «زبان بلوچی و ویژه گیهای دستوری آن» می باشد، را از سرتا پا با دقت خواندم و نظر خویش را چنین ابراز میدارم. این اثر در (۱۹۲) صفحه کاغذ (A4) نوشته شده، که در برگیرنده یک مقدمه، پنج فصل، نتیجه، پیشنهادات، یک ضمیمه و ۵۴ شماره مآخذ می باشد.

نویسنده محترم در مقدمه در زمینه اینکه، زبان یک پدیده اجتماعی است و انسان در بین مخلوقات جهان تنها موجودی است، که زبان ملفوظ دارد، بحث مفصلی نموده است. از محتوای فصل اول که به پسمنظر موضوع اختصاص یافته، دانسته می شود، که راجع به زبان بلوچی در خارج از کشور تحقیق و تتبع بیشتر و منظم تر صورت گرفته نسبت به آنکه در داخل کشور بدان پرداخته شده است، ولی از کارکردهای روانشاد کاندید اکادمیسن عبدالرحمن پهوال بلوچ به نیکویی یاد شده است.

در فصل دوم این رساله تحت عنوان بزرگ «نظری بر پیشینه تاریخی بلوچها» مطالبی چون: خاستگاه قومی بلوچها، جغرافیای تاریخی بلوچها، کلمه بلوچ، نام بلوچ، نژاد بلوچها، دلیری و آزاد منشی بلوچها، مهاجرت بلوچها و مناطق بلوچ نشین در افغانستان و خارج از آن مورد مطالعه، تحقیق و بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم زبان بلوچی به بررسی گرفته شده و تصریح گردیده است، که فرهنگ یک قوم، ادبیات شفاهی، عامیانه و مکتوب آن به وسیله کلمه و نطق بیان شده می تواند. در این فصل موقف زبان بلوچی از نگاه خانواده گی با در نظرداشت شواهد، مدارک و مآخذ دست داشته مشخص و معین گردیده و از جمله زبانهای معاصر شمالغربی به شمار رفته است. در این فصل آمده است، که دانشمندان و زبانشناسان بعد از مطالعه و بررسی آوایی، مورفولوژیکی، سینتاکسی (نحوی) و داشته های لغوی، زبان بلوچی را به شش لهجه ذیل تقسیم می نمایند، که عبارت اند از:

۱- لهجه رخشانی شامل سه زیر لهجه (کلاتی، پنجگوری، سرحدی)، ۲- سراوانی، ۳- لاشاری، ۴- کچی، ۵- ساحلی، ۶- بلوچی تپه شرقی. همچنان در این فصل خط فونیتیک، تلفظ تعدادی از واژه های بلوچی به اساس الفبای آواشناسی، واولهای غنه یی، ترکیب های واولی، آواز های بی صدا و بندشی (انسدادی) و آواز های بندشی و دندانی به بحث و بررسی گرفته شده است. قابل ذکر است موضوع پروژه حاضر بیشتر پیرامون مطالب همین فصل می چرخد.

عنوان فصل چهارم رساله «لهجه های زبان بلوچی و تفاوت آنها» است. نویسنده محترم در این فصل نخست در زمینه زبان معیاری یا ادبی و زبان گفتاری یا عامیانه بحثی نموده و می گوید، که «تفاوت لهجه یک زبان در مناطقی، لهجه گفته می شود، که در بعضی از

جاها کم و در برخی دیگر زیاد است» بعد از آن راجع به «Dialectogogy» لهجه شناسی بحث نموده و بعد از آن در مورد لهجه های شرقی و غربی زبان بلوچی تحقیق و پژوهش نموده و تفاوت و تباین بین آنها را با امثال واضح کرده است. در همین فصل از کسانیکه در زمینه ادبیات پر بار و غنی قوم آزاده و با غرور بلوچ قلم فرسایی کرده اند، نام می برند. «تأثیر زبانهای آریانی و غیر آریانی» عنوان بغلی دیگر این فصل است، که بشکل مشرح با جداول نشان داده شده است.

با وجود آنکه پروژه حاضر نه مقایسه وی است و نه مقابله یی، اما دانشمند گرانقدر در قسمتی از این فصل بخش مورفولوژی دستور زبان بلوچی را با مورفولوژی زبانهای دری و پشتو به مقایسه گرفته و در می یابد، که زبان بلوچی از نگاه زیانشناسی با زبانهای دری و کردی نسبت به پشتو نزدیکی بیشتر دارد؛ زیرا از لحاظ تقسیمات خانواده گی زبان زبانهای بلوچی، دری و کردی از جمله زبانهای آریانی شمال غربی اند، ولی زبان پشتو از جمله زبانهای آریانی شمال شرقی به شمار می رود. نویسنده محترم رساله حاضر، تاثیرات زبان عربی را بر زبان بلوچی از نظر دور نداشته و می نگارد، که «هر چند زبان عربی نتوانست زبان بلوچی را از بین ببرد، مگر واژه های زیادی از زبان عربی داخل زبان بلوچی گردیده و بدین ترتیب زبان عربی در نثر و نظم و تحقیقات علمی مناطق مفتوحه راه باز کرد، که زبان بلوچی هم از آن بی تاثیر نمانده است» همین قسم در این فصل راجع به زبانهای اندو اروپایی معلومات ارایه گردیده است.

دانشمند محترم در فصل پنجم و آخری این رساله راجع به متون زبان بلوچی معلومات داده و نمونه هایی از این متون را با ترجمه آن به زبان دری ارایه داشته است، که این بخشی از کار در مستند سازی اثر تاثیر به سزایی دارد.

پژوهشگر گرانمایه، رساله علمی - تحقیقی خویش را با نتیجه گیری از محتویات ارایه شده اختتام بخشیده و بعد از نتیجه گیری و استنتاج در ارتباط با موضوع پیشنهادات معقول و بجا را ارایه نموده و در آخر رساله از لهجه شرقی (مکرانی) و لهجه غربی زبان بلوچی متون به الفبای بلوچی و الفبای آوانگاری منحیث ضمایم آورده، که به رساله موجود قوت علمی بیشتر بخشیده است.

این رساله علمی- تحقیقی با استفاده از (۵۴) مآخذ و منابع داخلی و خارجی به زبان و ادبیات ساده و روان نوشته شده، حشو و زواید ندارد، کلمات و جملات آن عام فهم و هرکس از آن استفاده خوب کرده می تواند. تمام موضوعات آن تسلسل منطقی داشته و اصول نقطه گذاری در آن مراعات شده است. کار تحقیق از نگاه کیفی و کمی تکمیل و با پیروی از میتودهای علمی- تحقیق پذیرفته شده در عرصه زبانشناسی نوین نگارش یافته است. از نگاه ارزیابی علمی در عرصه زبانشناسی زبان بلوچی دارای ارزش علمی بوده، که جناب «مهرزاد» از عهده کار خویش موفقانه بدر آمده است.

من برای محترم «مهرزاد» تکمیل نمودن این اثر را مبارکباد می گویم. بر علاوه آنکه این اثر را همه جانبه مثبت و مفید ارزیابی می نمایم، آن را برای ترفیع از رتبه معاون سرمحقق به رتبه علمی سرمحقق کامل و کافی دانسته و پیشنهاد می نمایم، تا به خاطر احترام به زبان و فرهنگ قوم بلوچ این اثر چاپ شود.

با احترام

سرمحقق خیر محمد حیدری

آمر دیپارتمنت زبانهای پامیری

تقریظ

د ژبو او ادبیاتو د مرکز د ریاست درانه مقام ته!

ستاسو د ۱۳۹۵/۱۰/۲۶ ۶۵۲/۷۰۳ گڼې رالیږلي مکتوب د غوښتنې له مخې باید، چې د ښاغلي څېړنوال غلام فاروق مهرزاد، د لیکلي اثر په باب خپل نظر جوت کړم. که د هند له نیمې وچې څخه تېر شو، نو زما په فکر افغانستان په دې خطه کې هغه هېواد دی چې ډېرې لرغونې ژبې په کې ویل کېږي، ځکه نو دا اړینه ده چې په دې خاوره کې موجودې لرغونې ژبې وڅېړلې شي. دا ډول څېړنې زموږ د لرغوني هېواد، د تاریخ په څېړلو او سمو پیژندلو کې مرسته را سره کوي، خو دا کار تشې د خولې خبرې نه دي. د دې کار د تر سره کولو لپاره تر هرڅه لومړی د مسلکي پوهانو شتوالی اړین فکت دی.

دا ټولو ته څرگنده ده چې زموږ د هېواد ځینې ژبې د بهرنيانو له خوا د سیاسي موخو د ترلاسه کولو په غرض زده شوې او څېړل شوې دي چې دلته ورباندې غږېدل مو له اصلي موضوع څخه لرې کوي. په دې وجه ورڅخه تېرېږو، او خپل بحث ته راگرځو.

د اثر لومړی څپرکی د موضوع د شالید په اړه دی. په دې څپرکي کې بلوخي ژبه د آریاني ژبو په شمال لوېدیځ (پېرسیک) گروپ پورې تړلې ژبه گڼله شوې ده او ویل شوي دي چې په هېواد کې د بلوخي ژبې په باره کې کوم ځانگړی اثر نه دی لیکل شوی، خو خورې ورې لیکنې یې په اړه شوې دي. په همدې څپرکي کې دا په گوته شوي دي چې د بلوخي ژبې د گرامر په باره کې لومړنی اثر په ۱۸۷۷ز. کال کې موکلر پېرنګي د بلوچستان په خاوره کې لیکلی دی. تر ده وروسته نورو پېرنګیانو لکه دیمز، ماير او الفنباین د بلوخي ژبې، شعر او شاعرۍ او د بلوڅانو د تاریخ او ادبیاتو په برخه کې په انگرېزي ژبه آثار لیکلي او چاپ شوي دي.

په دې څپرکي کې د اښودل شوي دي چې د پېرنګیانو څېړنو سیاسي جنبه درلوده. د اثر لیکوال د همدې څپرکي په لړ کې د بلوخي ژبې او ادبیاتو په باره کې په ډېر مرتب ډول غږېدلی دی. دی وایي چې د لرې تېر وخت داسې سند په لاس کې نشته چې د بلوخي ژبې او ادبیاتو ښکارندويي وکړي. د بلوخي ژبې د شعر او شاعرۍ یادونه له اتلسمې پېړۍ څخه وروسته چې د لومړي ځل لپاره د میرنصیرخان براهويي له خوا د بلوچستان په مرکز کلات کې مستقل حکومت تشکیل شو، کېږي.

د کتاب لیکوال د خپل اثر په دوهم څپرکي کې د بلوڅانو په کلهوالي، تاریخي جغرافیه، د بلوڅانو په نوم، د دوی په نژاد او جزونو باندې په دقیق ډول غږېدلی دی. د دې څپرکي په لومړیو کرښو کې د بلوڅانو د جسماني پېژندنې په باره کې ویل شوي دي چې دوی د کوپړی یا جمجمې د کچې، څپرې او د سترگو او وینستانو د شکل او رنگ له مخې هندو آریاني بریښي او هغه څېرې چې د بلوڅي ژبې او د هغې د پېژندنې په اړه تر سره شوې دي د ایرانیانو او تاجکانو سره د بلوڅانو پيوند تائیدوي. ځینې بلوڅي شعرونه، کیسې او داستانونه د بلوڅانو وسیې (رېښې) د قریشو قبیلې او عربو ته رسوي او وایي چې مور د حمزه اولاده یو. د همدې څپرکي په ترڅ کې د بلوڅانو د تاریخي جغرافیه په باره کې ویل شوي دي چې هغه پلټنې او کیندنې، چې د لرغون پېژندنې په برخه کې د بلوچستان په غونډیو کې شوې دي دا څرگندوي چې د بلوچستان تاریخ ترمېلاد درې زره کاله وړاندې وخت ته رسیږي او خلکو یې د موهن جو دارو د تمدن غوندې تمدن او فرهنگ درلود. دا هم ویل شوي دي چې د دې ټولو جزیاتو سره سره د بلوچستان تاریخ د هخامنشیانو د دورې او د یوناني لیکنو سره مرتبط دی. د داریوش د وخت د بېستون د کتیبه د لرغونې پارسي په مېخي لیکنو او تخت جمشید کې اوسنی بلوچستان د ((مکه)) یا ((مکا)) په نوم یاد شوی دی. دا کلمه به مکران وي چې په لوېدیځ بلوچستان کې د یوې سیمې نوم دی.

ماته داسې ښکاري چې لیکوال په څېړنه کې ژوره لاره خپله کړې او تر وسه یې زیار ایستلی دی چې کلمې عام فهمه کړي.

د بلوڅانو د نژاد او لومړني استوګنځي په باره کې ویل شوي دي چې بلوڅان آریانيان دي او د اوسني ایران په شمال کې اوسېدل چې دوخت په تېرېدو سره جنوب او جنوب ختیځ ته وکوچېدل. د همدې څپرکي په اوږدو کې د بلوڅانو د هر اړخیزې پېژندنې په ترڅ کې یادونه شوې ده چې ډېری بلوڅان د حنفي مذهب پیروان دي، خو هغوی چې په کرمان او خراسان کې ژوند کوي اثنا عشری شعیه گان دي.

په همدې څپرکي کې د بلوڅانو د تاریخي، جغرافیوي او نژادي پېژنې ترڅنګ د دوی ځانګړنې لکه: زغم، تحمل، د ډېرو وادونو کول، د ډېرو اولادونو لرل او نور ښودل شوي دي. له دې یادونې څخه داسې ښکاري چې څېړونکي او لیکوال مهرداد، د بلوڅانو د هر

اړخیزې پېژندنې په برخه کې خپل ځان ښه خولې کړی دی. که لوستونکي دا اثر ولولي، نو زه ډاډه يم چې ډېر نوي معلومات به ترلاسه کړی او بلوڅان به لاسه وپېژني.

په درېم څپرکي کې په پیل کې ((بلوڅي ژبې کتنه)) تر سرلیک لاندې د ژبې تعریف راغلی او په ترڅ کې یې یادونه شوې ده چې هغه ژبې چې په تاریخي دورو کې په یوه علت د ارتباط د وسیلې په توګه ونه کارول شي مړې (باستاني) بللې کېږي.

په دې څپرکي کې د بلوڅي ژبې د اوازونو په جوړښت، فونیمیکي خط، تلفظ، غڼه یي واولونو، واولي ترکیبونو... او نورو مسایلو باندې څېړنه شوې او په ترڅ کې یې د بلوڅي ژبې د ویلو ځایونه، سیمې او هېوادونه په ګوته شوي دي او دا هم ویل شوي دي چې د پوهانو د څېړنو له مخې بلوڅي ژبه دا لاندې ګردو دونه لري:

۱- رخشاني ګردود چې درې ښاخونه (کلاتي، پنجګوري، سرحدي) ورپورې تړلي دي. ۲- سراواني، ۳- لاشاري، ۴- کچي، ۵- ساحلي، ۶- دختیځې تپې بلوڅي.

په همدې څپرکي کې د نورو خپلوانو ژبو او اوبستا سره د بلوڅي ژبې نږدېوالي په لغتونو کې ښودل شوی دی. په بلوڅي ژبه کې د نوم، ستاینوم، کړ او نومخړو په برخه کې د اوږون ځانګړنې هم له پامه نه دي غورځول شوې.

د بلوڅي ژبې د اوازونو د جوړښت په برخه کې راغلي دي چې بلوڅانو تر اسلام دمخه په لومړیو (وختونو) کې د کسپین د بحیرې څخه د جنوب او جنوب ختیځ لوري ته مهاجرت کړی دی. ختیځ ته مهاجرت یې د کرمان، خراسان او سیستان له لارې تر مکران او هند پورې دوام کړی دی. په همدې ترڅ کې په بلوڅي ژبه باندې د نورو ژبو د اغېزو یادونه هم شوې ده. دا یادونه باید وکړم چې د اوازونو د اداکولو طرز او د دوی ځای ځایګی په ډېره ښه توګه په مثالونو کې ښودل شوي دي. د همدې څپرکي په لړ کې په افغانستان کې د بلوڅي ژبې په منل شوې الفبې باندې خبرې شوې، د افغانستان او پخواني شوروي اتحاد، د پوهانو ګډې هڅې یادې شوې او ویل شوي دي چې په هېواد کې رخشاني ګردود، ډېر کارول کېږي. دا یادونه هم شوې ده چې په دې ترڅ کې دا هڅه هم شوې چې عربي توري له مخې وغږوي خو تر اوسه پورې یې کوم پایله نه ده لرلې. په دې الفبې باندې د پوهاند صاحب الهام ترمشری لاندې څېړنپوه هلالی، ګرونبرګ، عبدالرحمن بلوڅ او څېړندوی غلام فاروق مهرزاد کار کړی او په ۱۳۶۶ کال کې د علومو اکاډمۍ چاپ کړې ده.

د اثر په څلورم څپرکي کې د بلوخي ژبې په گړدودونو کې په توپيرونو، گړدود پېژندنې، بلوخي ادبياتو او همدارنگه د دې ژبې د ختيځې او لوېديځې لهجو او نورو موضوعاتو په باره کې گټوره څېړنه شوې ده. د همدې څپرکي په پيل کې لومړی دگړدود په باره کې خبرې شوې او وروسته د بلوخي ژبې د گړدودونو په اړه د پوهانو او څېړونکو څرگندونې هم له ياده نه دي ايستل شوې او ويل شوي دي چې په دې اړه بېلابېل نظرونه وړاندې شوي دي.

کله يې دا ژبه په جنوبي او شمالي سناخونو وېشلې او کله يې په ختيځو او لوېديځو گړدودونو باندې، دا هم ويل شوي دي چې ډېری پوهان د ختيځ او لوېديځ گړدودونو ترنامه لاندې وېش سره موافق دي. د دواړو گړدودونو د توپير په برخه کې ويل شوي دي چې لوېديځ گړدود د پارسي ژبې څخه متاثر شوی او لغتونه يې ورڅخه اخيستي دي او ختيځ گړدود د سندي او ملتاني (ژبو) تر اغېزې لاندې راغلی دی، دا هم په ډاگه شوي دي چې په دې وروستيو کې داسې نظر پيدا شوی، چې بلوخي ژبه د اورمړي او پراچي په خوا کې جنوب ختيځ سناخ بولي. دلته پوښتنه را پيدا کېږي چې دا نظر په کومو دلایلو ولاړ دی او دا ميلان تر کومې کچې پورې پياوړی دی. د همدې څپرکي په ترڅ کې د ختيځ او لوېديځ گړدودونو توپيرونه د فونولوژي او مورفولوژي په ساحو کې ښودل شوي دي، د بلوخي ادبياتو په باره کې څرگندونې شوې او د هغو بهرنيانو او د دوی د آثارو يادونه شوې چې په دې اړه يې پلټنې کړې او معلومات يې خوندي کړي دي. د اثر ليکوال په بلوخي ژبه باندې د آرياني او نا آرياني ژبو اغېزې په جدولونو کې ښودلې دي. دې جدولونو ته په کتو يې توپيرونه، نيردېوالی او لرېوالی موندل کېږي. په همدې څپرکي کې په بلوخي ژبه باندې د دري ژبې د اغېزې يادونه شوې او د دري ژبې به مورد کې ځانگړې څرگندونې هم له پامه نه دي لوېدلې. د بلوخي او دري د همږنگۍ يادونه شوې او بېلابېل گرامري توکي يې په تشریحي ډول ښودل شوي دي، همدارنگه په بلوخي ژبه باندې د پښتو ژبې اغېزې او د دواړو ژبو گرامري ورته والی په گرامري برخو کې په منظم ډول څرگند شوی دی. په بلوخي ژبه باندې د عربي ژبې بدل او د هغه لاملونه په ډېره ښه بڼه په نښه شوي دي. د اندو اروپايي ژبو، د دوی د تاريخي سير او موقعيت په برخه کې د معلوماتو څخه ډکه ليکنه شوې چې کتل او لوستل يې په هېڅ وجه بې گټې نه دي.

د همدې څپرکي په وروستيو پاڼو کې د آرياني ژبو په لړ کې په اوښتا باندې خبرې شوې او د وروستۍ اوښتا د ليکلو وخت يې شپږمه مهلادي پېړۍ په گوته کړې ده. هندي ژبې يې تشریح کړې دي.

په دارديک ژبو باندې هم څېړنيز کارشوی، براهويي ژبه، د براهويانو د اوسېدو ځايونه او د دوی ښاخونه ښودل شوي او ځانگړنې يې لکه اخلاق، عادتونه... او نور په ډاگه شوي دي. د کتاب په پنځم څپرکي کې د بلوخي ژبې صرفي او نحوي بېلگې راوړل شوې، په پارسي اړول شوې او د ښه پوهاوي او سمو لوستلو په غرض په فونيمیکي الفبې ليکلې شوې او گرامري حالتونه يې هم ښودل شوي دي. تر هغې وروسته د بلوخي، دري، آرياني او اوښتا ژبو د واولونو لړۍ پيل شوې او ښه ډېر لغتونه چې د ژبو لرهوالی او نيردېوالی څرگندوي راوړل شوي دي. په دې برخه کې هم فونيمیکي الفبې له پامه نه ده غورځول شوې. له دې نه وروسته د علمي - څېړنيز کار پایله او وړاندیزونه راغلي دي او ورپسې جوخت د بلوخي ژبې د ختيځ گړدود (مکراني) متن راغلی او په دري اړول شوی دی. ورپسې د غازي خان ډيرې د ختيځ گروپ د گړدود متن په فونيمیکي الفبې ليکل شوی دی. په دې پسې مسلسل د لوېديځ (مکراني) گړدود متن په فونيمیکي الفبې ليکل شوی او راوړل شوی دی. په دې پسې سم د غازي خان ډيرې د ختيځ گړدود بلوخي متن په اردو الفبې ليکل شوی او راغلی دی. په پای کې ماخذونه د الفبې په ترتيب راوړل شوي دي چې شمېر يې څلور پنځوسو ته رسېږي. دا اثر په (۲۰۴) مخونو کې بشپړ شوی دی، بايد يادونه وکړم چې د اثر تر کتلو وروسته خپل نظر په لاندې ډول وړاندې کوم:

- د اثر په فهرست کې راغلي څپرکي ډېر ښه څېړل شوي دي.
- د څېړنې مېتود يې تحليلي، تشریحي او په ځينو ځايونو کې مقایسوی رنگ لري.
- د څېړنې ژبه يې روانه او سليسه ده.
- په دې اثر کې يواځې بلوخي ژبه او د هغې گرامري ځانگړنې نه دي څېړل شوې، بلکې د بلوځانو د اوسېدو په لومړني ټاټوبي، کډوالۍ، تاريخ او نژادي اصليت باندې گټوره څېړنه شوې ده.
- د کتاب محتوی ډېره لوړه او علمي ده او د بلوخي ژبې او بلوځانو د هر اړخيزې پېژندنې په برخه کې ډېر ښه مواد لري.

- د اثر لیکوال د څېړنپوهی د علمي درجې وړتیا په خپل لیکلي اثر کې ښودلې او زه یې د دې علمي ترفیع وړ او حقدار بولم. د لوی خدای (ج) څخه روغه سته او اوږد عمر ورته غواړم او د افغانستان د علومو اکاډمی د لوړ مقام څخه هیله کوم چې د دې اثر د چاپولو تاییا وکړي.

بريالی اوسئ!

څېړنپوه مولاجان تڼيوال

د څښتن تعالی په سپیڅلی نامه

تقریظ

د افغانستان د علومو اکاډمي د ژبو او ادبیاتو د مرکز د ۱۳۹۵/۱۰/۲۶ نېټې د ۷۰۶/۶۵۰ گڼه رسمي لیک په ملتیا د دې مرکز دورونو قومونو د انستیتوت د بلوخي څانگې د علمي غړي ښاغلي څېړنوال غلام فاروق مهرزاد علمي - څېړنیز اثر چې د ((زبان بلوچی و ویژه گیهای دستوری آن)) تر سرلیک لاندې یې د څېړنپوه علمي رتبې ته د ترفیع په منظور کښلی دی، ماته د تقریظ لیکلو لپاره را استول شوی دی.

دغه اثر یوه سریزه، پنځه فصلونه، نتیجه، وړاندیزونه، ضمایم او د اخځو نو فهرست لري. په سریزه کې له مقدماتي او عمومي خبرو وروسته د اثر د لیکلو پر هدف، اړتیا او د کار په میتود پر خبرو سربېره، دغه اثر لنډ معرفي شوی هم دی.

لومړی څپرکی د موضوع شالید ته ځانگړی شوی چې د موضوع پر لنډې تاریخچې سربېره د هغې پر میرمیت هم رڼا اچول شوې ده، ورپسې ځینې هغه مهم آثار هم لنډ معرفي شوي او پرمخچانگه یې خبرې شوي چې د دې اثر په بشپړولو کې ورڅخه گټه اخیستل شوې ده.

د دې اثر د دوهم فصل سرلیک دی: ((نظری به پیشینه تاریخي بلوچ ها))؛ په دې فصل کې لیکوال د بلوخي تاریخي جغرافیه، توکم، قومي جوړښت، مهاجرتونه، په افغانستان او نورو سیمو کې بلوخي مېشتې سیمې او نورې ضروري موضوعگانې څېړلي دي.

د دې اثر درېم څپرکی د ((نگاهی به زبان بلوچی)) تر سرلیک لاندې کښل شوی چې د بلوخي ژبې غږیز جوړښت، فونیمیک لیک، واولونه او په موضوع پورې نور اړوند مسایل په کې تشریح شوي دي.

د څلورم فصل سرلیک دی: ((لهجه های زبان بلوچي و تفاوت آن)) په دې فصل کې لومړی لهجه پېژندل شوې او بیا د بلوخي ژبې د لهجو پر وېش خبرې شوې، ورپسې پر بلوخي ژبه باندې د آریایي او غیر آریایي ژبو اغېزې څېړل شوي او په ځینو برخو کې سره پرتله شوي هم دی.

له دې وروسته اندو اروپایي ژبې لنډې لنډې معرفي شوي دي. لیکوال د دغه فصل اړوند مسایل نه یواځې تشریح کړې، بلکې تحلیل کړې یې هم دي.

همدارنگه یې له پښتو او ځینو نورو ژبو سره د بلوخي ژبې د گرامري جوړښت پرتلیزه څېړنه هم په ښه توگه تر سره کړې ده.

د دې اثر په پنځم فصل کې د بلوخي ژبې صرفي او نحوي ځانگړنې څېړل شوي او د موضوع د بڼه وضاحت په منظور بېلگې هم وړاندې شوي چې دغه بېلگې په دري هم ژباړل شوي دي.

د دې فصل په پای کې د اثر نتیجه او وړاندیزونه راغلي دي. د اثر په ۱۸۰ مخ کې ضمايم پيل کېږي، په دې ضميمو کې هغه متون راوړل شوي چې د بلوخي ژبې د شرقي او غربي لهجو توپيرونه رانښيي دا برخه هم دري ژباړه لري.

د پورتنیو لنډو ټکو د يادونې په پای کې خپل نظر داسې څرگندوم.

- ښاغلي ليکوال ته چې د اړوند علمي مرکز او د افغانستان د علومو اکادمي د مشرتابه پلاوي (رئيسه هيات) له خوا کوم فهرست تعيين او تصويب شوی و، له هغه سره سم يې خپله علمي - څېړنيزه موضوع په بريالۍ توگه بشپړه کړې ده.

- دغه څېړنه د تشریحي، تحليلی او مقایسوي میتود په رڼا کې تر سره شوې ده.

- د ليک نښو په گډون يې د ليکوالی اصول او موازين تر ډېره بريده په پام کې نيولي دي.

- هره موضوع يې چې څېړلې، خپل نظریې هم ورسره ملگری کړی دی.

- د ترلاسه شوو معلوماتو له مخې دغه اثر په خپله نوعه کې نوی دی ځکه چې تر اوسه په افغانستان کې د بلوخي ژبې د گرامر په اړه دغه ډول ځانگړی ژبني اثر نه دی ليکل شوی.

- ليکوال په دې اثر کې له (۵۴) بېلا بېلو اخځونو څخه استفاده کړې ده چې هم يې په لمنليک او هم د کتاب په پای کې د ماخذ ليکنې له اصولو سره سم ښودلي دي.

- له هر ماخذ څخه يې چې په مستقيم يا غير مستقيم ډول څه را اخيستی دي، هغه ماخذ يې ښودلی دی.

په پای کې بايد ووايم چې د دې اثر د لابلایني او غنامندی په منظور مې ښاغلي ليکوال ته ځينې مشورې ورکړې چې به ورين تندي يې ومنلې. د يادو او دې ته ورته نورو ښېگڼو په لرلو سره دغه اثر مثبت ارزوم. که چېرې ليکوال د ترفيع نور اړوند شرطونه بشپړ کړي وي، نو د څېړنوال له علمي رتبې څخه يې د څېړنپوه علمي رتبې ته د لوړېدو وړاندیز کوم او په نورو ورته علمي - څېړنيزو چاروکې ورته د لوی خدای جل جلاله له درباره د لانورو برياليتوبونو هيله کوم.

په درنښت

څېړنپوه نصرالله ناصر

د ژبو او ادبياتو د مرکز علمي غړی

۱۳۹۵/۱۲/۲

مقدمه

بنابر گواهی تاریخ بشر از دیر زمان به صورت اجتماعی می زیست و یکی از نیاز های آدمی در زنده گی اجتماعی بر قراری ارتباط با هموعان و ایجاد تفهیم و تفاهم است. بشر همواره برای برقراری ارتباط در جوامع خود از وسایل و ابزار مختلف سود می جسته که درین میان «زبان» مهمترین ابزار و وسیله به شمار می رود.

زبان یک پدیده اجتماعی است که وسیله ارتباط آدمیان می باشد. بدون زبان روابط انسانی در اجتماع موجود شده نمی تواند، زیرا بدون زبان امکان درک واقعیت های زنده گی دشوار می باشد. زبان یکی از استعداد های شگفت انگیز و درخشان بشر است؛ زیرا در بین مخلوقات جهان انسان تنها موجودیست که زبان ملفوظ دارد و میتواند با آن افکار و عواطف خود را به دقت به دیگران انتقال دهد. بنابراین زبان مهمترین وسیله ارتباط بین مردم و بزرگترین عامل شکل دهنده اجتماعات، فرهنگ، تمدن و علم و هنر است. اگر زبان نمی بود بشر با حیوانات دیگر تفاوت چندانی نمی داشته است. بیگمان تمام پیشرفتهای انسان در گروی زبان است. زبان در ماهیت خود یک نهاد اجتماعی است. بدین معنا که افراد اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد و نیات یکدیگر و برای برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آن را مشخص و ایجاد کرده اند.

زبان علاوه بر اینکه استعدادی است فردی، حاصل زنده گی جمعی انسانها نیز هست و مانند مذهب و اقتصاد خانواده در اصطلاح جامعه شناسان از نهاد های و بنیاد مؤسسات اجتماعی بوده و مانند هر نهاد دیگری محصول غرایز آدمی است و هم نتیجه حیات جمعی. زبان نتیجه زحمت و پشت کاریک دسته و یا گروه خاص نیست؛ بلکه همه افراد جامعه برای ارتباط با هم در توسعه و انکشاف آن سهیم اند و آنرا به کار می برند. زبان را تمام جوامع و همه دسته های اجتماعی در پی سعی و کوشش صد ها نسل انسانها به وجود آورده است. زبان در خدمت یک گروه و یا یک دسته نمی باشد؛ بلکه برای تمام باشنده گان و دسته ها یکسان خدمت می کند.

ایجاد ارتباط و تکیه گاه اندیشه تنها از راه زبان میسر است بهمین دلیل می گویند ماهیت زبان سبب پیشرفت کنونی بشر و نتیجه تبادل افکار و اطلاعاتی است که موجب تکامل وی شده است. وقتی انسان اولیه یاد گرفته است که میتواند به اشاره مقصد خود را

بیان کند و یا رسیدن به هدف خود اشاره های مختلفی از خود بروز دهد تا طرف مقابل را از آن آگاه سازد، در حقیقت دانستن و یا فهمیدن مستلزم نوعی پردازش ذهنی بوده است. اگر برای زبان مفهومی وسیع و عام در نظر بگیریم در تعریف آن می توان گفت: «هر گونه نشانه که به وسیله آن زنده یی بتواند حالت یک معانی موجود در ذهن خود را به ذهن موجود زنده دیگر انتقال دهد «زبان» خوانده می شود.»^(۱)

با پذیرفتن چنین تعریفی، کلمه «زبان» حرکات و اصواتی را که بعضی از جانوران برای فهماندن مقصودی به همجنسان خود به کار می برند نیز شامل می شود. جانورانی که در حالت اجتماعی به سر می برند برای القأ بعضی از مقاصد خود نشانه هایی دارند. این نشانه ها گاهی به صورت های ساده است و گاهی حرکات.

نشانه های رمزی زبان یعنی کلمه ها و دیگر عناصر با معنای لسانی به جتهی سمبول هستند که هر کدام حیثیت چنان «دال» را دارند که بر «مدلول» خود به طور وضعی و میثاقی دلالت میکند. در عین حال این رمزها و نشانه های زبان همه «صوتی» هستند و این قید در تعریف فوق میرساند که انواع دیگر وسایل مفاهمه از قبیل «زبان ایمایی، gesture، written language زبان علامه یی یا اشاره یی sign language و زبان نگارش» است language از ساحة معرفت تعریف خارج است. بنا بر این، زبان یک «نهاد اجتماعی» است به این معنا که افراد یک اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد و نیات یک دیگر و برای برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آنرا تنظیم کرده اند. زبان نه تنها مهمترین وسیله ارتباطی بشر، بلکه پایه اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز میباشد و به دلیل سرشت اجتماعی خود هماهنگ با اختلاف اجتماعات، مختلف است. به سخن دیگر با اینکه این نهاد (institution) در همه اجتماعات بشری وجود دارد و وظیفه و نقش آن در همه جا یکسان است، شکل آن الزاماً در همه جوامع یک سان نیست، و نحوه عمل آن در هر اجتماع با اجتماع دیگر آشکارا تفاوت دارد. به طوری که هر شکلی از زبان فقط در میان افراد جماعت معین میتواند وظیفه برقراری ارتباط و تفاهم را به جای آورد.^(۲)

^۱ پرویز ناتل خانلری، زبان چیست؟ مجله سخن، دوره پانزدهم، سال ۱۳۴۳، شماره ۲، تهران، ص ۱۲۹.

^۲ - سرمحقق خیر محمد حیدری، دستور مقایسی زبانهای شغنائی-روشانی و پشتو، ناشر اکادمی علوم افغانستان کابل:

سال ۱۳۹۴ش. ص ۲۴.

به همه معلوم است که زبان مهمترین وسیله ارتباط بشری است تا زمانی که زبان این نقش مهم را ایفا کند و وسیله ارتباط افراد جماعتی (عشیره، قوم، قبیله و یا ملت) باشد آن را زبان زنده گویند. زبانهای که به سببی در یکی از ادوار تاریخی فاقد این نقش، یعنی وسیله ارتباط شود آن را زبان باستانی گویند.^(۱)

هر زبان برای اینکه میان لهجه هایش ارتباط ایجاد کند از چهار ابزار استفاده می کند:

۱- گفتار

۲- شنیدار

۳- خواندن

۴- نوشتار

دو وسیله اول در همه زبانها بدون استثنا وجود دارد. خواندن و نوشتن که به عبارت دیگر سواد هم نامیده می شود ابزارهای جانبی اما مهم زبان است. هنگامی که ما سخن میگویم دستگاه تولید صوت ما با بیرون کردن هوا صداهایی در برخورد با موانع پیشرو ایجاد می کند که در طرف مخاطب این موج ایجاد شده و در کوشش لرزش ایجاد کرده سپس این پیام به مغز رسیده تحلیل شده و درک می شود.

همه زبانها سعی دارند میراث فرهنگی و زبان خود را به هر نحوی که شده حفظ کرده و آن را به نسل بعد منتقل کند. بهترین وسیله برای انتقال داشته های فرهنگی زبان است.

ما جهان را از دریچه زبان درک می کنیم. هر کودکی حد اکثر در سن پنج تا شش سالگی دانش زبان مادری خود را به طور کامل در اساس یاد گرفته است. هر چند زبان آموزی تا آخر عمر ادامه دارد ولی اساس زبان که گفتار و شنیدار و ساختار است در همان سنین شکل کاملی گرفته است.

زبان یک نهاد زنده در اجتماع است. با توجه به تغییر جهان و رویداد های آن زبان نیز برای آنکه نقش ارتباطی خویش را در جامعه ایفا می کند باید همگام با جامعه رشد کند.

بلوچی مانند همه زبانهای آریانی غربی زیانیست ساده و در آن کمتر دستور های پیچیده دیده می شود. همچنین با صیغه های مذکر و مونث در اسم و یا در فعل

^۳- دایرةالمعارف آریانا، جلد چهارم ر- ض، اکادمی علوم افغانستان، ریاست دایرةالمعارف، کابل: سال ۱۳۹۰ش. ص

برنمیخوریم با آنکه واژه های زیادی از زبانهای دیگر چون فارسی، سندی، ملتانی، عربی و پشتو در آن راه یافته اند به گفته علی اکبر جعفری دانشمند زبان بلوچی، زبانیست تند و آزاد و سره و کم آمیخته و دارای جنبه های که برای زبانشناسان بسیار ارزنده است.^(۱) بلوچی از دسته زبانهای آریانی شرقی نیست و با همسایه های زبانهای شرقی کمتر شباهت دارد. بیشتر دانشمندان به این باورند که بلوچی از شاخه شمالغربی زبانهای آریانی به شمار میرود که به مازندرانی، گیلکی و تالشی نزدیکتر است تا به فارسی و بشکردی، لارستانی و لری و کردی.

زبانشناسان بیشتر زبانهای آریانی غربی را دو بخش کرده اند یکی را دنباله و یا نزدیکتر به پهلوی ساسانی و دیگری دنباله و یا نزدیکتر به پهلوی اشکانی می دانند. این را نباید فراموش کرد که همه زبانهای آریانی از یک ریشه هستند، علاوه بر شباهت نسبی که با یکدیگر دارند همواره بر یکدیگر اثر متقابل داشته و دارند و از هم نیک سود جسته اند و می جویند. همین اثر گذاری سبب شده است که این زبانها و لهجه ها از هم بیگانه و دور نه شده اند.

بلوچی دنباله پهلوی، اشکانی یا ساسانی نیست، بلکه وابسته به یک زبان دیگر آریانی است با در نظر داشت ترکیب های صفت و موصوف و مضاف و مضاف الیه از پهلوی کهنتر است و در تلفظ نیز آوا های کهنتری را نگهداشته است. و خویشاوندی نزدیکی با زبانهای فارسی و پهلوی دارد.

درینجا واژه های از فارسی و پازند و پهلوی و بلوچی و اوستا را در برابر هم میگذاریم تا دیده شود به چی اندازه آوایی اوستایی را نگهداشته است.

پارسی	پازند	پهلوی	بلوچی	اوستا
پز	<i>paz</i>	<i>pach</i>	<i>pach</i>	<i>pach</i>
تاز	<i>tâz</i>	<i>tâch</i>	<i>tach</i>	<i>tach</i>
خوان	<i>khwân</i>	<i>khwân</i>	<i>(h)wân</i>	<i>hwân</i>

۱- علی اکبر جعفری، بلوچ و بلوچی، مجله سخن، دوره چهاردهم، تهران: سال ۱۳۴۳ خورشیدی، ص ۱۸۱.

<i>zân</i>	<i>zân</i>	<i>dân</i>	<i>dân</i>	دان
<i>rich</i>	<i>rich</i>	<i>rêch</i>	<i>rêz</i>	ریز
<i>such</i>	<i>such</i>	<i>sôch</i>	<i>sôz</i>	سوز
<i>roacha</i>	<i>rôch</i>	<i>rôch</i>	<i>rôz</i>	روز

مشت نمونه خروار از واژه های که در بالا آورده شد می بینیم که بلوچی نزدیکتر به اوستا و طبعاً به پارسی باستان و سانسکریت است، بنابراین ثابت می شود که بلوچی رابطه نزدیکی با زبانهای کهن آریانی دارد.

طوریکه قبلاً به آن اشاره شد بلوچی به کردی و گبری و مازندرانی و گیلکی و به ویژه تالشی نزدیک دارد برای ثبوت این ادعا واژه های بیشتری را در برابر یکدیگر می گذاریم: هور *haur* در بلوچی باران است و در کردی ابر و در گبری اور *avr*.

سهر *suhr* یا سور *sôr* در بلوچی و کردی و گبری *sukhra*، در اوستا (سرخ).

آسن *â sin* بلوچی و کردی و گبری *ôsûn* سمنانی (آهن).

پس *pas* بلوچی، تاتی پز *pez*، پس *pas* کردی، *pasu* اوستا (گوسفند).

باسک *bâsk* بلوچی و کردی، بازوک *bâzûk* پهلوی، *bâzu* اوستا (بازو).

زرد *zird* بلوچی، زر- *zer* کردی، زل *zil* گیلکی، زلا *zila* مازندرانی، *zereda*

اوستا (دل).

زامات *zâmât* بلوچی، زاوا کردی *zâvâ*، زیما *zemâ*، گیلکی *zâmu* و زوماد

zûmâd گبری (داماد).

مزن *mazân* بلوچی، مزین *mazin* کردی، مسن *mesin* سمنانی (بزرگ).

کسان *kasân* بلوچی، کسن *kesin* سمنانی (کوچک).

وش *wash* بلوچی، وش *wash* کردی، *khash* گبری و بشکردی (خوش).

تهل *tahl* بلوچی و کردی، تیل *tel* تاتی تئل *taal* گبری (تلخ).

بچک *bachak*، چک *chuk* بلوچی، بچوک *vechûk* کردی، چوک *chûk*

بشکردی، وچگ *vachôg* گبری، و چک *vachak* پهلوی (بچه و فرزند).

مشک *mushk* بلوچی و بشکردی و گبری، مشک *mishk* کردی، *mushka* سانسکریت (موش).

جهل *johl* بلوچی و بشکردی، جنر *jaar* گبری، *zher* کردی، *zhafir* پهلوی، *jafra* اوستا (ژرف).

گپته *gipta* بلوچی، گفته *gifta* بشکردی و مازندرانی (گرفته).

زر *zar* بلوچی، زره *darya, zareh* پهلوی، *zrayah* اوستا (دریا).

بر مبنای نیاز مندی که در مورد پژوهش زبان بلوچی و ویژگیهای دستوری آن دیده می شود پروژه علمی تحقیقی خود را به مشوره اساتید علمی به اجرای این امر مهم اختصاص دادم تا بتوانم گامی در جهت معرفی و شناخت زبان بلوچی مصدر خدمتی گردم. در مورد زبان بلوچی و ویژگیهای دستوری آن تا حال کار مستقلی صورت نگرفته است لذا ضرورت احساس می شد تا درین زمینه گامی برداشته شود.

در نوشتن این اثر علمی تحقیقی از مأخذ مختلف به صورت پراکنده که در کتابها و مقالات متعدد به چاپ رسیده و گوشه از زبان، تاریخ و هویت بلوچها را روشن می سازد استفاده صورت گرفته است. مانند: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دوازدهم در ردیف «بلوچی» و مقاله مشروح دانشمند محترم علی اکبر جعفری که در چند شماره مجله سخن سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ به چاپ رسانده که در شناخت بلوچها و زبان آنها کمک و یاری می رساند.

از مقاله تحت عنوان «د بلوخی ژبی ژغیر جوړشت» که به وسیله استاد فقید کانديد اکادیمسین پوهاند محمد رحیم الهام ترجمه و چاپ شده سود برده ام.

در فصل اول مرووری به گذشته موضوع صورت گرفته که دانشمندان در بخش زبان بلوچی چی کار های را انجام داده اند روشنی انداخته شده و از آنها یی که درین زمینه کار های بسر رسانده اند مختصراً یاد آوری گردیده است.

پیشینه تاریخی بلوچها در فصل دوم مورد تحقیق قرار گرفته که شامل بخشهایی ذیل است:

پژوهش در مورد کلمه بلوچ، نژاد بلوچ، مهاجرت بلوچها و حوزه های بلوچ نشین به معرفی گرفته شده است که درین بخش با در نظر داشت اسناد و مدارک دست داشته و نظریات دانشمندان مورد بحث قرار گرفته است.

فصل سوم که می توان آنرا موضوع بنیادی و اساسی به شمار آورد و پروژه روی آن می چرخد زبان بلوچی به بحث گرفته شده و موقف زبان بلوچی در زبانهای آریانی و موقعیت این زبان در زبانهای باستانی با تکیه بر اسناد و شواهد و تحقیقاتی که درین زمینه صورت گرفته معرفی شده است الفبای پذیرفته شده زبان بلوچی در افغانستان که از طرف انستیتوت ملیت های برادر مرکز زبانها و ادبیات اکادمی علوم افغانستان ترتیب و تنظیم شده پیشکش شده تا شایقین زبان بلوچی از آن بهره بگیرند. لهجه های زبان بلوچی از موضوعات دیگری است که درین بخش روی آن تحقیق صورت گرفته است. تأثیر زبانهای آریانی و غیر آریانی بر زبان بلوچی در همین فصل مورد بحث قرار گرفته و تأثیرات زبان های آریانی چون دری و پشتو و سایر زبانهای آریانی به شکل مفصل در بخش اول و در بخش دوم سایر زبانهای آریانی مانند اندو آریانی، هندی و اردو سندی و دیگر زبانهای آریانی مختصراً به بحث گرفته شده است.

در مورد زبانهای دراویدی از جمله زبان براهویی، تأثیر زبان عربی و زبانهای اروپایی زیر عنوان های جداگانه تحقیق مختصر به عمل آمده است.

در فصل چهارم در باره سیستم فونیمیک زبان بلوچی و نظر دانشمندان این رشته مطالبی موجود است و درین ردیف و اول، کانسوننت، صدا های ترکیبی و ویژگیهای سیستم فونیمیک زبان بلوچهای افغانستان مورد بحث قرار گرفته است. اثر گرانمایی دیگری که به زبان بلوچی زیر عنوان «بلوچ کی انت» یعنی بلوچها کیها هستند از روانشاد کاندید اکادمیسین پهوال بلوچ در دسترس من بود از آن بهره کافی گرفته ام که در اکمال این پروژه مرا یاری رسانده است. در فصل پنجم در باره متون زبان بلوچها و نمونه های از متون پیشکش شده و پس از آن ترجمه و تحلیل نمایه های صرفی و نحوی زبان بلوچی پیشکش شده که با نتیجه گیری و پیشنهادات، لغتنامه و مأخذ به پایان می رسد.

کتاب دیگری که درین اواخر به زیور طبع آراسته گردیده بنام «مقدمه بر زبان اوستایی» می باشد که به وسیله سرمحقق دکتور خلیل الله اورمر نوشته شده که در شناخت زبانهای

باستانی و رابطه آن با زبانهای آریانی بهترین مآخذ به شمار می رود در بخش معرفی زبانهای باستانی ازین ردیف زبان بلوچی و رابطه آن با شاخه های دیگری مفید و ارزنده می باشد و درین باره معلومات کافی به دست میدهد سود جسته ام.

همچنان از کتاب های متعددی و مقالاتی که به صورت پراکنده به چاپ رسیده درین اثر استفاده شده و به صورت منسجم ترتیب و تنظیم شده است. امید است که این اثر ناچیز با همه کمبودی و کاستیهای که دارد بتواند گوشه از زبان و تاریخ قوم بلوچ را روشن کند تا رهنمایی باشد برای شیفتگان و جوانان بلوچ که در آینده آرزوی تحقیق بیشتر و همه جانبه را درین زمینه داشته باشند.

در روند تحلیل و بررسی های مطالب این اثر از موضوعات از برخی کتابهای که در باره زبان بلوچی و مقالات متعددی که به چاپ رسیده استفاده به عمل آمده است؛ مگر منبع اساسی که به شکل جدا و مستقل به صورت کتاب چاپ شده باشد در اختیار من نبوده است.

در روند تحقیق موضوعات مختلف در رابطه به این پروژه، مثال ها و نمونه ها از لابلای متن های جداگانه استخراج و ارایه گردیده است.

در پیشبرد کار این پروژه از آغاز تا انجام، رهنمودها و مشوره های عالمانه سرمحقق دکتور خلیل الله اورمپر در حالیکه با مصروفیت های بیشماری روبرو بودند همسفر راه من درین زمینه بوده است. من نیز به نوبه خود از استاد گرامی اظهار سپاس و امتنان می نمایم و از بارگاه ایزد متعال برای شان جان جور و صحت کامل استدعا می دارم.

بدیهی است که در این کار کاستی های نیز وجود دارد و امیدوارم صاحب نظران و اساتید و به ویژه آگاهان به زبان و ادبیات بلوچی و بلوچ شناسان با خاطر نشان ساختن نا درستی ها و لغزش های کار، نگارنده را در راهی که خود را در آغاز آن می داند یاری دهند تا در آینده در صدد رفع و بهبود آن ها بر آید.